



که این به استعداد آدم‌ها برمی‌گردد. اگر نقدی یا مسأله‌ای وجود دارد احتمالاً به دلیل این است که مخاطب به دنبال کیفیت است و وقتی یک خواننده یا یک ورزشکار به آن کیفیت نرسد ممکن است که مورد نقد قرار بگیرد اما ماجرا این است که من هیچ‌وقت پیکان نقدم را به سمت آنها نمی‌گیرم، یعنی به آنها ارتباطی ندارد. در حقیقت این تهیه‌کننده‌ها و کارگردان‌ها هستند که این افراد را به کار دعوت می‌کنند. خود آن شخص که به زور خودش را به کار تحمیل نمی‌کند همان طور

که ما باز یگرها همیشه دعوت به کار می‌شویم به همین خاطر اگر نقدی وجود دارد این را باید در بین دوستان تهیه‌کننده جستجو کرد؛ آنها هستند که رغبت دارند تا این دوستان در کارشان بازی کنند. علاوه بر این همچنان معتقد هستم که همان طور که در این صد و چند سال تاریخ سینما تجربه نشان داده که گاهی افرادی که از دیگر دنیاها هنری مثل موسیقی یا حتی گاهی اوقات ادبیات نمایشی وارد حوزه بازیگری می‌شوند کارشان خوب از آب در می‌آید پس صحیح نیست که گاردی نسبت به این قضیه وجود داشته باشد.

شما به عنوان یک نویسنده در جامعه سینمایی و کارگردان‌ها، چه تعداد از کارگردان‌ها را دارای فهم متن و فیلمنامه می‌بینید؟ و از نظر شما چقدر کار فیلمنامه‌نویس‌ها در سینمای ایران سخت یا آسان است؟

بگذارید بگویم که من به آن معنی نویسنده نیستم. در واقع سابقه من این طور است که در سال‌های کمی دور تر من بر اساس علاقه‌مندی فیلمنامه می‌نوشتم و همین‌ان هم گاهی در فیلمنامه بعضی از دوستان مشورت می‌دهم اما نویسنده یک تعریف بزرگی است که به من اطلاق نمی‌شود. در مورد اینکه کارگردان‌ها چقدر اشراف دارند باید بگویم که بعضی از کارگردان‌ها هستند که اشراف زیادی به متن دارند و بعضی‌ها هستند که اشراف کمی به متن دارند اما این مسأله دلیل بر این نمی‌شود که آنها کارگردان‌های بد یا خوبی باشند. چه بسا کارگردانی که اشرافی به متن هم ندارد فیلمی بسازد که فیلم خوبی از آب دربیاید و کارگردانی باشد که خیلی هم فهم درستی از متن دارد اما ممکن است که فیلم بسازد و ما فیلم او را دوست نداشته باشیم. درباره اینکه کار فیلمنامه‌نویس‌ها چقدر سخت است می‌توانم بگویم که هر کاری می‌تواند برای یک آدم حرفه‌ای سخت یا آسان باشد. من فکر می‌کنم که فیلمنامه‌نویس همیشه برای من محترم است چون اساساً من از نویسندگان خوشم می‌آید و به آنها احترام می‌گذارم اما فکر می‌کنم که در هر جای دنیا این تأیید شده است که نویسنده به عنوان مغز اصلی هسته داخلی فیلم است و کارگردان که به عنوان یک هنرمند به صحنه وارد می‌شود و این هسته را



در واقع سابقه من این طور است که در سال‌های کمی دور تر من بر اساس علاقه‌مندی فیلمنامه می‌نوشتیم و همین‌الان هم گاهی در فیلمنامه بعضی از دوستان مشورت می‌دهم اما نویسنده یک تعریف بزرگی است که به من اطلاق نمی‌شود

پرورش می‌دهد و کار را تبدیل به یک اثر هنری می‌کند.

عده‌ای معتقد هستند که دیگر دوره مقدمه‌چینی در سریال‌ها - خصوصاً در آثار پلتفرم‌ها - گذشته و مخاطب در همان قسمت اول باید بداند که با چه اثر و چه شخصیت‌هایی روبه‌رو است تا اگر دوست داشت آن را در ادامه هم دنبال کند، این اتفاقی است که در «حرفه‌ای» هم افتاده است. از طرفی عده‌ای دیگر اعتقاد دارند که این مسأله و معرفی همه شخصیت‌ها در ابتدا باعث سردرگمی مخاطب می‌شود و لازم نیست که تمام کاراکترها در همان قسمت اول به مخاطب معرفی شوند. نظر شما که دستی هم در نوشتن دارید، در این مورد چیست؟

من اعتقاد دارم که انواع و اقسام ژانرها و گونه‌های نوشتاری باید وجود داشته باشد. شاید ما با سریالی طرف باشیم که ترجیح دهد از اول همه شخصیت‌ها را معرفی کند و سر فرصت استراحت کند و بعد آرام آرام ماجرای را ایجاد کند. ممکن است سریالی هم وجود داشته باشد که از اول با ماجرا پیش برود و ما در طول داستان کم کم شخصیت‌ها را بشناسیم که شاید علاقه‌مندی من به این نوع بیشتر باشد اما ممکن است که از نوع اول هم فیلم یا سریالی را ببینم که خیلی از آن خوشم بیاید. همان طور که ما از این دست نمونه‌های بسیار عالی و زیادی داریم که می‌تواند یک کاری را مقدمه‌چینی کند و بعد داستان را شروع کند. به همین خاطر در عالم نوشتن و به طور کلی در عالم هنر قانون محضی وجود ندارد اما کسی که اهل سریال دیدن است و مخاطبی که اهل دیدن و تماشای فیلم و به اصطلاح عشق سینماست به نظر من آدم پر حوصله‌تری است. فکر می‌کنم کسانی که عشق سینما هستند اصولاً یک مقدار حوصله‌بیشتری به خرج می‌دهند برای اینکه یک کاری جابیفند، پخته شود و راه بیفتد و ما این را حتی در سینما هم شاهد هستیم. مخاطب حرفه‌ای سینما کسی است که ممکن است به دیدن یک فیلم سه ساعته بنشیند که در ساعت اولش اتفاق خاصی نمی‌افتد و داستان آهسته‌آهسته شکل می‌گیرد. اگر شما عاشق سینما یا عاشق مدیوم تصویر باشید خودبه‌خود این حوصله را دارید اما اینکه من چطور یک کار را پس می‌زنم، بسته به این است که دیگر هر کسی سلیقه شخصی خودش را دارد. یک نفر از داستان بدش می‌آید و ارتباط نمی‌گیرد، یک نفر از دوبازیگر آن کار خوشش نمی‌آید، یک نفر هم از ششویه روایت و کارگردانی خوشش نمی‌آید و آن کار بعد از چند قسمت مخاطب خودش را از دست می‌دهد اما همه می‌دانیم که ساختن یک سریال خوب منوط به کار جمعی در چه یک است. در واقع یک سری آدم حرفه‌ای که دور هم جمع شده‌اند و هسته درستی که به نام متن در این بین وجود دارد که آنها هر چه را که بلد هستند را رو

می‌کنند تا آن کار تبدیل به یک اثر درخشان شود. من امیدوار هستم که این اتفاق کم‌کم در پلتفرم‌ها و سریال‌های شبکه نمایش خانگی یا حتی هر جای دیگری بیفتد و ما شاهد سریال‌های خوب بیشتری باشیم. فکر می‌کنم که آرزوی همه‌ی ما «حرفه‌ای»‌ها همین است و آرزوی همه‌ی مخاطبان هم همین است که سریال‌های بهتری ساخته شود که مردم از دیدنش لذت بیشتری ببرند.

اگر صادقانه بخواهید بگویید یک نویسنده وقتی با فیلمنامه مواجه می‌شود کارش خیلی با سواس پیش می‌رود یا راحت‌تر است از این جهت که خودتان می‌توانید آسان‌تر مشکلاتان را ادیت کنید؟

من باز هم می‌خواهم تأکید کنم که نوشتن یک مسأله‌ای است که من در آن هیچ ادعایی ندارم. بنابراین می‌توانم بگویم که من با ناندک تجربه‌ای که در نوشتن دارم در مرحله اول، کار کمی سخت می‌شود چون ممکن است که فیلمنامه‌ها و کارهای زیادی را بخوانم و خوشایندم نباشد اما وقتی وارد یک کاری شدم که در وهله اول متن آن از فیلتر من رد شده و آن را پذیرفتم، زمانی که برای کار حاضر می‌شوم بسته به اینکه کارگردان چقدر به این ماجرا روی باز نشان دهد می‌توانم در دیالوگ‌ها کمی دست کاری کنم و متن را کمی برای خودم کنم یا حتی برای دوستانی که باهم همفکرتر هستیم پیشنهاداتی در مورد متن داشته باشم و اصولاً همیشه بازبگری بودم که در مورد متن خیلی حرف دارم و در مورد آن خیلی صحبت می‌کنم. فکر می‌کنم که این مسأله هم برای من در کار فایده دارد و هم برای خود کار ثمربخش است.

چقدر سریال‌های شبکه نمایش خانگی را دنبال می‌کنید و نگاه شما به عنوان یک بازیگر به مدیومی مثل وی اودی و شبکه نمایش خانگی چیست؟

من تقریباً کار همه همکاران را دنبال می‌کنم فقط برای اینکه بدانم چه اتفاقی دارد می‌افتد و چه کسی دارد چه کار می‌کند و اینکه به قول قدیمی‌ها از قافله عقب نمانم و در جریان باشم. فکر می‌کنم که همه دوستانی که مثل من هستند از این قضیه استقبال می‌کنند و هر چه تولید بالاتر برود کار برای همکاران ما و به خصوص همکاران جوان ما و همین‌طور افراد مستعدی که پشت در ایستاده‌اند بیشتر می‌شود اما من فکر می‌کنم که عمر پلتفرم‌ها در ایران خیلی کوتاه بوده و این پلتفرم‌ها هنوز خیلی جوان هستند و اگر مردم اختلالاتی را می‌بینند به این دلیل است که هنوز داریم آزمون و خطا می‌کنیم. فکر می‌کنم که بعد از چند سال وضعیت طوری شود که کم‌کم همه پلتفرم‌ها مسیر اصلی خودشان را پیدا کنند و کارهای بهتر و بیشتری را شاهد باشیم - کارهایی که مردم دوستشان دارند - چون این آزمون و خطاها بالاخره منجر به این خواهد شد که یک سری جوان با استعداد بیایند و کم‌کم همه چیز را دست بگیرند و مالذت ببریم.